

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

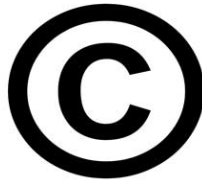
Political

سیاسی

نوشتۀ حمید محوی  
۰۹ فبروری ۲۰۱۶

گاهنامه هنر و مبارزه  
اطلاعیه مهم

دو سال زندان و ۳۰۰۰۰۰ یورو جریمه، دستمزد کار فرهنگی آزاد در فرانسه



پیش از هر مطلبی مجبور هستم فوراً از تمام سایت ها و افرادی که به نحوی کتاب های ترجمه شده توسط من را منتشر کرده اند، تقاضا کنم که این کتاب ها را از آرشیو خودشان حذف کنند. به جز کتاب «استعمار در آسیا» نوشته کارل مارکس و فردریش انگلس، و کتاب «نقد مارکسیسم درباره نظریه روانکاوی» زیرا بر اساس قانون کپی رایت در فرانسه، ماده زیر

## Article L-122-4

Toute représentation ou reproduction intégrale ou partielle faite sans le consentement de l'auteur ou de ses ayant droit ou ayant cause est illicite. Il en est de même pour la traduction, l'adaptation ou la transformation, l'arrangement ou la reproduction par un art ou un procédé quelconque.

هر گونه بازنمایی یا بازتولید کامل یا جزئی بدون رضایت نویسنده یا دارنده حق امتیاز اثر غیر قانونی است. این مورد شامل ترجمه یا تغییر شکل و تنظیم مصنوعی با استفاده از هر شیوه فنی نیز می باشد.

## Article L335-2

Des peines encourues pour le non respect du droit d'auteur :

Toute édition d'écrits de composition musicales, de dessins, de peinture ou toute autre production imprimée ou gravée en entier ou en partie, au mépris des lois et règlements relatifs à la propriété des auteurs, est une contrefaçon. toute contrefaçon

est un délit La contrefaçon en France d'ouvrages publiés en France ou à l'étranger est punie de deux ans d'emprisonnement et de 300.000 euros d'amende seront punis des mêmes peines le débit, l'importation et l'exportation d'ouvrages contrefaits

در ماده ۳۳۵ در مورد عدم رعایت حقوق نویسنده و یا دارنده حق اثر... دو سال زندان و ۳۰۰۰۰۰ یورو برای فرد خاطی در بر خواهد داشت.

البته من حاضر نیستم به خاطر کارهای ترجمه که از دیدگاه من علاوه بر وجهه فرهنگی و اجتماعی، در عین حال یک نیاز باطنی و به شیوه مبارزاتی من در مقابله با تروریسم فرهنگی رایج یعنی تروریسم فرهنگی خاص گروه های تبهکار که به اپوزیسیون های پنتاگونی و ناتوی بین ایرانیان خارج از کشور در جبهه مدافعان امپریالیست ها، تعلق دارند و در چهار چوب پشتیبانی های غرب امپریالیستی اتحادیه اروپا و ایالات متحده از تروریسم بین المللی و خاصه تروریسم اسلامی قابل شناسائی می باشند و علاوه بر این میان فرهنگی خود جمهوری اسلامی در ایران را نیز باید مد نظر داشته باشیم، (به ویژه از دوران خاتمی با طرح مذاکره های تمدنی... و تشویق به اصطلاح فعالیت های فرهنگی و هنری که به شکل گسترده در وبلاگ میان فرهنگی ایران مورد بررسی قرار داده ام...) قابل درک می باشد... در نتیجه کار من در راستای گسترش میان فرهنگی ایران در بیرون از محوطه و محافل قدرت... واقع بوده و هست. در هر صورت چنین تعریفی از فعالیت هایم در زمینه ترجمه و نقد به خود من باز می گردد.

موضوع قوانین کپی رایت اخیراً در مکاتبه با نویسنده کتاب «رساله خداناباوری» نوشته فیلسوف فرانسوی میشل اونفره که بازخوانی ترجمه آن توسط من به فارسی به مرحله نهائی نزدیک شده است، قانون کپی رایت برای نخستین بار به شکل جدی برای من مطرح شد، زیرا نویسنده در مقابل درخواست من برای نوشتن قطعه ای برای خوانندگان فارسی زبان در صورتی که ضروری بداند... اظهار داشت که حق امتیاز این کتاب متعلق به او نیست، و دیگر صاحب کتاب خودش نمی باشد... پس از جست و جوهائی چند نتیجه گرفتم که با توجه به کارهای ترجمه که پیش از این انجام داده ام به مثابه اصل تیوریک دوسال زندان و ۳۰۰۰۰۰ یورو جریمه انتظارم را می کشد. هر چند که این کارها را به رایگان در اختیار خوانندگان گذاشته ام و از هیچ مؤسسه یا سازمانی برای این نوع کارها و یا کارهای دیگر بودجه یا امتیاز خاصی دریافت نکرده ام. ترجمه ها نیز کاملاً در زمینه پژوهش های شخصی ام بوده است.

در نتیجه نخستین اقدام من درخواست حذف کتاب های ترجمه شده ام از اینترنت می باشد، که این قانون عادلانه باشد یا نباشد، که این قانون موجب اعتلای کار فرهنگی و هنری و علمی می باشد یا نه... و ده ها پرسش دیگر، که این قوانین باید عوض شود... و یا این که برای ایرانیان آزاد خارج از سازمان ها و انجمن ها و دولت ها باید ساز و کار تازه ای برای فعالیتهای فرهنگی شان وجود داشته باشد، و یا این که ضرورتی ندارد که افراد آزاد در آزادی و فارغ از قید و بندهای رسمی فعالیت فرهنگی و اجتماعی داشته باشند. یا حساب و کتابی نیز برای آنها وجود داشته باشد یا نباشد. که اتحادیه اروپا متحد القاعده و تروریسم اسلامی باشد یا نباشد، تمام این پرسش ها، در رابطه با وضعیت کنونی که برای ترجمه های من پیش آمده، به مرحله دیگری تعلق دارد. بالقوه و عملاً من خودم را در مقابل دیوار قوانینی می بینم که به جای بازشناسی یک کار فرهنگی و پیشاهنگی با اعتنائی می تواند احتمالاً دو سال زندان و ۳۰۰۰۰۰ یورو برای یک فرد بی کار دراز مدت در فرانسه صادر کند. ضرب المثل های ما ایرانی ها «تو نیکی می کن و در دجله انداز...» واقعاً ناکارآمد به نظر می رسد، و شاید هم که این قوانین حقانیت داشته باشد. نیکی، کمک رسانی اگر قانونمند نباشد ممکن است که برای فرد نیکوکاری مثل بهرام رحمانی موجب دردهائی بشود که اخیراً بی آن که بدانند در خانه اش را به جای پناهندگان آواره به روی یک باند تبهکار و دزد باز کرده بود ...

ولی واقعیت امر این است که فعالیتهای فرهنگی به طبقه حاکم انحصار داشته و آنهایی که به توده های بی نام و نشان تعلق دارند سهم چندانی نمی برند و در بهترین شرایط تنها می توانند تماشاچی و یا مصرف کننده باشند. حاصل چنین قانونی، با توجه به وضعیت انجمن های فرهنگی و اجتماعی و مناسبات دانشگاهی ایران و فرانسه، و وضعیت خود من به عنوان یک فرد «آزاد» البته کاملاً منزوی، و حاشیه نشین و مخالف به مفهوم مضاعف کلمه، این است که مجموعه کتاب هائی که من ترجمه کرده ام، دست کم باید تا اطلاع ثانوی و شاید برای همیشه از اینترنت جمع آوری شود، چون که وضعیت حقوقی آنها مشخص نیست. خصوصاً به دلیل سیاست حاکم در فرانسه که در پشتیبانی از برخی از گروه های تروریست ایرانی مانند مجاهدین خلق و یا بازمانده رژیم پهلوی و یا گروه های نوعی پافشاری می کند و اعتلای فرهنگ پیشگام و منتقدان فرانسوی خصوصاً در رابطه میان فرهنگی با ایران جزء اولویت های دولت فرانسه نمی تواند باشد. غالباً فرهنگ ناتو هست که در پشت ویتترین دیده می شود. علاوه بر این قراردادهای تازه با شیخ حسن روحانی، جایی برای «رساله خداناباوری» و غیره باقی نمی گذارد. من تنها می توانم به کسب اجازه اختیاری صاحب اثر یعنی انتشارات گراسه دلخوش باشم، اگر بخواهد به رایگان اجازه ترجمه فارسی «رساله خداناباوری» را برای من ممکن سازد یا نه؟

تنها در صورتی که بتوانم توافق ناشرین کتاب های ترجمه شده را به دست آورم، انتشار ترجمه ها ممکن خواهد بود. با این حساب که پیدا کردن ناشران و مکاتبه با آنها کار ساده ای نیست، و بخش آزار دهنده کار من را تشکیل می دهد، چون که کار ترجمه برای من لذت بخش است، و یک کار فرهنگی و اجتماعی به حساب می آید، و حتی ارتباط با نویسندگان که متأسفانه همیشه ممکن نبوده، علاوه بر این از آنجائی که کار من از سوی هیچ گروه و مؤسسه ای پشتیبانی نمی شود و با تصمیم شخصی عمل می کنم، برای چنین مؤسساتی احتمالاً این نوع پیغام ها به دلیل تجاری نبودنشان و عدم تعلق به جریانها و برنامه های سیاسی، یک هرز نویسی تلقی خواهد شد و احساس می کنم که به نوعی کاسه گدائی باید به دست بگیرم، در حالی که به عنوان مثال برای همین کتاب «رساله خداناباوری» تقریباً یک سال وقت صرف کردم، با پی نوشت های متعدد و آماده کردن جملات بعضاً ناتمام نویسنده به شکلی که برای خواننده فارسی زبان قابل درک باشد... البته بازخوانی مقدماتی آن هنوز تمام نشده. مضافاً بر این که این کتاب به انضمام چندین کتاب دیگر به طرح جدید من برای پاکسازی ایران از دین اسلام و مبارزه علیه ایدئولوژی های خدا پرست (و نه خدا پرستان) تعلق دارد.

**میشل اونفره** عملاً با فروش کارش به یک ناشر جلوی گسترش پژوهش های بعدی را گرفته است. البته این قوانین در صورتی که برای گسترش های بعدی نیز حساب و کتابی قائل می شد، می توانست قابل قبول و مفید باشد زیرا نویسنده نیز برای کاری که انجام داده باید حقوقی دریافت کند تا در آزادی و استقلال به کار نویسندگی اش بپردازد و بازشناسی شود. مترجم نیز به همچنین. ولی ما ایرانی ها سرنوشتمان با بقیه دنیا متفاوت است. باید شهید بشویم. در غیراین صورت کمتر کسی به فکر ترجمه هاتری لوفور فرانسوی می افتاد و غیره... ولی به طور مشخص و عملاً برای یک ایرانی (آزاد و فارغ از وابستگی های استعماری و امپریالیستی و طبقاتی و مذهبی) در فرانسه برای این نوع فعالیت ها چه امکاناتی وجود دارد؟ هیچ. پس رابطه فرهنگی...؟ شاید ارتباطی به ما نداشته باشد؟ ما نمی توانیم تصمیم گیرنده باشیم؟ در این صورت آیا می توانیم از استقلال و باز شناسی نویسنده دفاع کنیم، و از استقلال و باز شناسی خواننده و ترجمه به عنوان یک نوع خاص و افراطی از فعالیت کتاب خوانی، یا یک نوع خاص از خواندن متن قطع نظر کنیم؟

همین حالا به این موضوع فکر کنیم که در حال حاضر چند نفر در فرانسه مشغول کار ترجمه هستند و چه ترجمه می کنند؟ و همین حالا به این موضوع فکر کنیم که حمید محوی به خاطر کتاب هائی که از فرانسه به فارسی منتشر کرده

است ( در چهار چوب مبارزه علیه تروریسم فرهنگی و میان فرهنگی و علیه ناتوی فرهنگی ... و به هدف ارتقاء میان فرهنگی ایران و فرانسه در ابعاد بسیار فروتخانه و خود جوش) به دو سال زندان و ۳۰۰۰۰۰ یورو جریمه محکوم شود... و اگر برای هر کتاب ترجمه شده این حکم صادر شود من باید تقریباً به حبس ابد با جریمه چند میلیونی محکوم شوم...

حمید محوی/گاهنامه هنر و مبارزه/ ۸ فبروری ۲۰۱۶

لینک متن در گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی

[دو سال زندان و ۳۰۰۰۰۰ یورو جریمه دستمزد کار فرهنگی آزاد](#)